

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در

پانسکو



هو العزيز



وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود

پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات

وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

جستارهایی در پلاسکو

توزیع محدود- ویرایش دوم

۱۰ بهمن ۹۵

با جستارهایی از:

محمد آقاسی، علیرضا آقاییوسفی، ریحانه اصلان زاده، سیدمهدی اعتمادی فرد، آرمین امیر، حسین ایمانی جاجرمی، یاسر باقری، عبدالله بیجرانلو، ناصرالدین-علی تقویان، سمیه توحیدلو، مجتبی توسل، حمیدرضا جلایی پور، ریحانه جوادی، محمدرضا جوادی یگانه، ابراهیم حاجیانی، مهدی حسین زاده فرمی، هادی خانیکی، سیدمحمد مهدی خوبی، مجتبی دلیر، حسین راغفر، جبار رحمانی، محمد مهدی رحمتی، مهدی روزخوش، سعیده زادقناد، احسان سلطانی، احسان شاه قاسمی، غلامرضا صدیق اورعی، رضا صفری شالی، عباس عبدی، حامد طالبیان، حمید طاهری، فاطمه سادات علمدار، فردین علیخواه، موسی عنبری، غلامرضا غفاری، محمدجواد غلامرضا کاشی، محمد فاضلی، نعمت الله فاضلی، مقصود فراستخواه، جولان فرهادی بابادی، ناصر فکوهی، مجید فولادیان، سید احمد فیروزآبادی، محمدامین قانع‌راد، علی قنبری، محمدرضا کلاهی، مسعود کوثری، رضا مختاری اصفهانی، علیرضا مشهدی زاده، محمد معماریان، مهدی منتظری مقدم، نوح منوری، سیدجواد میری، سیدعبدالامیر نبوی، آرش نصر اصفهانی، عباس نعمتی، سیدضیاء هاشمی، سیده راضیه یاسینی.

با مقدمه: سیدرضا صالحی امیری

به کوشش:

محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیجرانلو



۱۳۹۵



عنوان و نام پدیدآور	جستارهایی در پلاستیک/ به کوشش محمدرضا جوادی یگانه، جبار رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو. با مقدمه سیدرضا صالحی امیری.
مشخصات نشر	تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	۵۲۱ص.
موضوع	بلاها -- جنبه‌های جامعه‌شناختی.
موضوع	رسانه‌ها و افکار عمومی.
موضوع	مسائل اجتماعی -- ایران -- تهران.
موضوع	مدیریت بحران -- ایران -- تهران.
موضوع	بلاها -- آینده‌نگری.
رده‌بندی کنگره	۱۳۹۵ ج ۲ / HV ۵۵۳
	وضعیت فهرست‌نویسی فیبا
	رده‌بندی دیویی
	۳۴۷/۳۶۳

جستارها





پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی

ناشر: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
به کوشش: محمدرضا جوادی یگانه، جبار
رحمانی، سعیده زادقناد، عبدالله بیچرانلو.
با مقدمه: سید رضا صالحی امیری، وزیر
فرهنگ و ارشاد اسلامی
صفحه‌آرا: وحید لنجان‌زاده
روی جلد: از مجموعه «ایستاده در غبار»،
اصغر خمسه. خبرگزاری مهر.

همه حقوق این اثر برای پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات محفوظ است.
در صورت تخلف، پیگرد قانونی دارد.

نشانی: تهران، پایین‌تر از میدان ولی‌عصر (عج)، خیابان دمشق، شماره ۹، پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات
صندوق پستی: ۶۲۷۴ - ۱۴۱۵۵. تلفن: ۸۸۹۰۲۲۱۳. دورنگار: ۸۸۹۳۰۷۶. Email: nashr@ric.ir

فهرست مطالب

پلاسکو از آغاز تا پایان ۷

مدیریت و سیاست شهری

- گزارش ملی پلاسکو / محمد فاضلی ۱۵
- پیام پلاسکو / سید ضیاء هاشمی ۲۵
- مدیریت شهری و درس های پلاسکو / حسین ایمانی جاجرمی ۳۱
- تحلیلی آسیب شناختی بر موقعیت بحران های کالبدی شهر / ناصر فکوهی ۳۵
- ماجرای «پیک نیک» و جامعه شناسی «پلاسکوها» / موسی عنبری ۴۳
- فروپاشی پلاسکو نماد فروپاشی الگوی توسعه شهری / محمد امین قانع راد ۴۹
- آتش پلاسکو روشن است! مگر... / مجتبی توسل ۵۷
- فاجعه ساختمان پلاسکو و درس هایی که نمی آموزیم / حسین راغفر ۶۵
- مسئولیت شهرداری در حادثه پلاسکو / علیرضا مشهدی زاده ۷۱
- مدیریت فرسوده / سید عبدالامیر نبوی ۷۹
- خوب، بد، زشت: درس های پلاسکو / محمد مهدی رحمتی ۸۷
- هزینه های استهلاک و بی توجهی به آن در پلاسکو / غلامرضا صدیق اورعی ۹۷
- ساختارهای خالق حادثه ساختمان پلاسکو / احسان سلطانی ۱۰۳
- آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان / رضا مختاری اصفهانی ۱۱۱
- چتری برای پلاسکو / یاسر باقری ۱۱۹
- قربانیان نامرئی پلاسکو / آرش نصر اصفهانی ۱۲۹
- عدم توازن امنیت حیات ایرانی / مهدی حسین زاده فرمی ۱۳۵

فرهنگ و جامعه

- ۱۴۳ پرسش پلاسکو / نعمت‌الله فاضلی
- ۱۵۵ پلاسکو و امر نمی‌دانم / سیدجواد میری
- ۱۶۱ با پلاسکو می‌توان «جامعه در آغوش خطر ایران» را اسکن کرد / جلالی پور
- ۱۶۹ ققنوس پلاسکو و تکوین مقوله «مردم» در غیاب حکمرانی کارآمد / جبار رحمانی
- ۱۷۵ ساختمان پلاسکو و احساس بی پناهی مردم / محمدجواد غلامرضا کاشی
- ۱۸۷ حادثه ساختمان پلاسکو و فرهنگ اعتماد / غلامرضا غفاری
- ۱۹۵ ظرفیت سرمایه اجتماعی و واقعه پلاسکو / سید احمد فیروزآبادی
- ۲۰۳ اعتماد؛ کلید جامعه خود-ترمیم‌گر / فردین علیخواه
- ۲۰۹ پلاسکو و نشانه‌شناسی یک ازدحام / مقصود فراستخواه
- ۲۱۵ پلاسکو، یادگیری و آگاهی ملی / ابراهیم حاجیان
- ۲۲۵ بررسی زمینه‌های بحران پلاسکو با تأکید بر منزلت اجتماعی / مهدی اعتمادی‌فرد
- ۲۳۳ ساختمان پلاسکو و اهمیت آموزش مهارت‌های زندگی / مجتبی دلیر

اخلاق اجتماعی و خلیقات ایرانی

- ۲۴۳ آیا مردم هم در فروریختن پلاسکو مقصرند؟ / محمدرضا جوادی یگانه
- ۲۵۱ حادثه پلاسکو و فرهنگ عمومی / محمدرضا کلاهی
- ۱۶۲ حادثه پلاسکو و مظلونان همیشگی: «مردم» / مهدی روزخوش
- ۲۷۱ تقدیرگرایی، گم‌گشتگی آینده، و ظهور فاجعه پلاسکو / مجید فولادیان
- ۲۷۹ همه ایرانی‌اند، بعضی‌ها ایرانی‌ترند / آرمین امیر
- ۲۸۹ پلاسکو، فقدان همدلی در زیست جمعی ایرانی / علی قنبری
- ۲۹۹ آیا آنها گوسفندند؟ / فاطمه سادات علمدار
- ۳۰۹ فرایند اندیشه نسلی؛ آنچه که انجام می‌دهیم / مهدی منتظری‌مقدم
- ۳۱۷ مناسک پلاسکو / سعیده زادقناد

رسانه‌های جمعی و اجتماعی

- ۳۲۷ پلاسکو: سیلی سخت فاجعه / مسعود کوشری
- ۳۴۱ تصویری از رسانه‌ای شدن یک حادثه / هادی خانیکی
- ۳۴۷ درباره روایت رسانه ملی از واقعه ساختمان پلاسکو / سیدمحمد مهدی خوبی
- ۳۵۵ ۱۲۴ دقیقه تعلیق / محمد معماریان
- ۳۶۵ اختلال رسانه‌ای و نقص جامعه‌پذیری / عباس عبدی

- ۳۷۱ مصیبت به منزله درنگی برای آینده / سمیه توحیدلو
- ۳۸۱ پلاسکو در ذهن مردم فروریخت / عباس نعمتی و حمید طاهری
- ۳۸۷ درس‌های فاجعه پلاسکو برای تلویزیون ایران / عبدالله بیچرانلو
- ۳۹۵ سرکشی تحمل‌ناپذیر نمادها / ناصرالدین علی تقویان
- ۴۰۵ که نه خاطر تماشا، نه هوای باغ دارد / ریحانه جوادی
- ۴۱۷ حادثه ساختمان پلاسکو و افکار عمومی / رضا صفری شالی
- ۴۲۵ اختلال جمعی / علیرضا آقاییوسفی
- ۴۳۳ سلفی‌بگیران پلاسکو / احسان شاه قاسمی
- ۴۴۱ خوش‌حالی‌ها و خوش‌بختی‌های رسانه ملی / نوح منوری
- ۴۴۷ فاجعه پلاسکو: امکان بسیج اجتماعی و نقش رسانه‌ها / حامد طالبیان
- ۴۵۵ شوک درمانی افکار عمومی و دیگر هیج / محمد آقاسی
- ۴۶۱ کنش سیاسی و عکاسی از فاجعه / ریحانه اصلانزاده

برای آینده

- ۴۷۱ از فروریزش نماد مدرنیته تا برساخت فرهنگ رشادت / سیده راضیه یاسینی
- ۴۸۱ علاج واقعه / جولان فرهادی بابادی

مدیریت و سیاست شهری



آتش پلاسکو؛ احیاگر مشکلات تاریخی ایرانیان

رضامختاری اصفهانی
پژوهشگر حوزه تاریخ معاصر

آتشی که پلاسکو را سوزاند، علاوه بر داغ سختی که بر روح جمعی ایرانیان نهاد، با شعله‌هایش پرده‌هایی را سوزاند که تا پیش از این مانع اندیشیدن و دیدن بسیاری از مشکلات جامعه ایران بودند؛ مشکلاتی که ریشه در تاریخ و فرهنگ ایرانی دارند. در این جستار سعی می‌شود به دو مشکلی پرداخته شود که مدت زمانی مدید است بر جامعه ایران چنبره زده و با حوادثی چون فروسوختن ساختمان پلاسکو، چهره عیان می‌سازند:

الف) مدیریت شهری از دغدغه‌های نیروهای مؤثر شهرنشین بود که با انقلاب مشروطه بروز یافت. قانون بلدیة از جمله مهم‌ترین مصوبات مجلس اول شورای ملی بود که به این دغدغه پاسخ گفت. به اعتقاد مشروطه‌خواهان، مدیریت امور شهر از اصلی‌ترین مسائلی بود

که می‌توانست در مقابل اهداف مشروطه مانع ایجاد کرده یا به پیشبرد آن کمک کند. مشروطه‌خواهان دریافته بودند، اگر مدیریت امور شهر که بارزترین جلوه آن «نان و گوشت» مردم بود، در دست نیروهای غیرمنتخب باشد، می‌تواند توده‌ها را از مشروطه ناامید و جدا سازد. از همین رو آنان در قانون بلدی به ایجاد نهادی انتخابی، مرکب از طبقات و اصناف شهری می‌اندیشیدند. نهادی که علاوه بر نمایندگی اهالی شهر و حفظ منافع آنان، به تربیت و آموزش مدنی شهرنشینان توجه داشته باشد. در واقع قرار بود، بلدی‌ها شهرنشینان را به شهروند تبدیل کنند. شهروندانی که حقوق و تکالیف توأمان داشته باشند.

تشکیل بلدی به منظور ارائه آموزش به اهالی شهرها در جهت دستیابی آنان به زندگی مدرن همراه با قدرت کنترل و نظارت بر مدیریت شهری را می‌توان از مهم‌ترین اهداف قانون بلدی دانست. چنین دغدغه‌ای ناشی از تجربه تاریخی نیروهای شهری از حکومت قدرت‌های غیرشهری همچون ایلات بود. قدرت‌هایی که حکومت بر شهر را به مدد ساختار ایلی حکومت‌های پس از اسلام و تکیه به نیروی نظامی به دست آورده بودند. از همین رو پرداخت مالیات و داشتن خانه یا مستغلات و ریاست مؤسسات در شهر یا محدوده شهری از الزامات انتخاب‌کردن و انتخاب‌شدن در انتخابات انجمن‌های بلدی بود. همچنین محروم کردن نمایندگان حکومت همچون حکام و معاونین آنان، مأمورین نظامی اعم از برّی و بحری و تمامی کارکنان دولت از انتخاب‌شدن بر مبنای حفظ منافع طبقات غیرحکومتی شهر در این نهاد مهم بود.

به اعتقاد نمایندگان مجلس اول، اغتشاشات شهرها در پیش از مشروطه به دلیل تزاخم نمایندگان حکومت با نیروهای شهری بود. نمایندگانی که بخش غیرمنتخب را نمایندگی می‌کردند. بر این اساس در قانون بلدی تأکید شده بود «اعضای انجمن بلدی» نباید «حقوق‌بگیر



دولت» باشند. رئیس اداره بلدیه یا همان شهردار که در قانون بلدیه مشروطه عنوان «کلانتر» داشت، هرچند با حکم وزیر داخله منصوب می‌شد، اما با توجه به این که از میان اعضای انجمن بلدی انتخاب می‌شد، دارای پشتوانه رأی مردم بود. چهار عضو اداره بلدیه که یکی از آنان، معاون رئیس بلدیه (کلانتر) بود، توسط اعضای انجمن بلدی انتخاب می‌شدند. با چنین تمهیداتی، انجمن بلدی به معنای واقعی، نهاد فرادستی بلدیه بود. تصمیمات مرتبط با شهر هم با رأی اکثریت اعضای اداره بلدیه، معتبر و قابل اجرا بود. در صورت اختلاف بین اعضای اداره بلدیه، رأی کلانتر که منتخب مردم بود، مطاع و مرجح بود. نگاه به قانون بلدیه مصوّب مجلس اول نشان می‌دهد، دغدغه‌های اهالی شهر در آن دیده شده است. بر همین مبنا، بلدیه‌ها در نقاط مختلف در حفظ منافع شهرها ایجاد شدند. مهم‌ترین اقدام بسیاری از انجمن‌های بلدی، انتشار روزنامه و ارتباط با مردم در مطلع ساختن‌شان از اقدامات این نهاد تازه تأسیس بود. همچنین انجمن‌ها به عنوان نماینده مردم در جهت هزینه درآمد شهر خود، برای عمران و آبادی آن می‌کوشیدند. اقدامی که در برخی شهرها، منجر به اختلاف با وزارت مالیه می‌شد. اختلافاتی که جنبه سیاسی نداشت.

هر چند اغتشاشات مختلف همچون به توپ بسته شدن مجلس اول، درگیری‌های سیاسی، اشغال کشور در جنگ جهانی اول و ... بلدیه‌ها را در رسیدن به اهداف‌شان ناکام گذاشت، اما نگاهی به کارنامه آنها در شهرهایی چون تبریز، اصفهان، تهران و شیراز نشان از اقدامات ماندگارشان دارد. آنچه بلدیه‌ها و انجمن‌های بلدی در مدت کوتاه عمرشان در میان نابسامانی‌ها انجام دادند، بر ضرورت وجود آنان صحه گذاشت. بر مبنای همین ضرورت بود که سیدضیاءالدین طباطبایی، رئیس‌الوزرای دولت کودتا، پربارترین اقداماتش در حوزه امور بلدی و مدنی و تجدید حیات بلدیه‌ها بود. سیدضیاء که خوش



داشت او را دیکتاتور بنامند، دخالت دولت در بلدی‌ها را کلید زد و ریاست بلدیة تهران را خود به عهده گرفت. اقدامی که بعد از او تداوم یافت و رضاخان، همکار سید در کودتا، پس از نیل به رئیس‌الوزاری، فردی نظامی را به ریاست بلدیة برگزید. هرچند در این دوره در حوزه شهری، نوسازی‌هایی صورت گرفت، اما نظارت مردمی از طریق انجمن‌های بلدی مغفول ماند. چند سال بعد در دوره سلطنت رضاشاه با تغییر قانون بلدیة و دودرجه‌ای کردن انتخابات انجمن‌های بلدی، دخالت دولت در این نهاد، جنبه قانونی یافت. به این معنا که منتخبان بیش از تعداد لازم بودند و دولت از میان آن‌ها با گزینش منتخبان مورد نظر، انجمنی مطابق میلش تشکیل می‌داد. با این همه، حضور طبقات مهم شهری همچون تجار و اصناف برای انتخاب‌شدن، میراثی از حفظ منافع شهر در این نهاد بود، اما دخالت دولت به نمایندگی نهاد سلطنت در انجمن‌های بلدی، همچون شمشیر داموکلسی بود که در دوره استبداد نهاد سلطنت می‌توانست منجر به حضور شهردارانی با صبغه سیاسی و حکومتی شود. مسئله‌ای که شهرداری‌ها را تبدیل به سازمانی حکومتی کرد.

در قانون اساسی جمهوری اسلامی هم به مانند مشروطه، در کنار نهادهای انتخابی دولت و مجلس، نهاد شورا برای اداره امور شهر و روستا پیش‌بینی شد. آیت‌الله سیدمحمود طالقانی به‌حدی بر این امر تأکید داشت، که شوراها را میراث او می‌دانند. نگاه طالقانی به شوراها، همان نگاهی بود که در قانون بلدیة در مجلس اول لحاظ شده بود و شوراها را کاملاً غیردولتی می‌دید. بیش از یک دهه طول کشید تا آرزوی طالقانی جامه تحقق بپوشد. شوراها اما در شهرهای بزرگ متفاوت از آنی شدند که آیت‌الله می‌خواست. شوراها در شهرهای بزرگ به‌خصوص تهران از همان ابتدا عرصه‌ای برای رقابت‌های سیاسی شد؛ رقابتی که با حضور محمود احمدی‌نژاد در کسوت شهردار تهران و نیل



به مقام ریاست جمهوری، نهاد شورای شهر و شهرداری را تبدیل به سکوی پرش به مقام نخست اجرایی کشور کرد. لیست‌های انتخاباتی، بیش از آن‌که بر مبنای منافع و هویت شهری تهیه شوند، بر مبنای جناح‌بندی‌های سیاسی چینش یافتند. گاهی برخی از کاندیداهای لیست‌ها، غیرسیاسی‌هایی بودند که در صورت راهیابی به شورا، در مقابل سیاسیون راه‌یافته به آن، منفعل می‌شدند. در واقع آنچه از ایجاد چنین نهادی مدنظر بود، لااقل در شورای شهر تهران مغفول ماند. حضور دورافتادگان از نهادهای دولت و مجلس، بازنشستگان عرصه‌های مختلف در شورای شهر مهمی چون تهران، موجب شده بیش از آن‌که منافع شهر مدنظر باشد، رقابت‌های سیاسی ملاک قرار گیرد. از همین رو انتخاب رئیس شورای شهر و شهردار، محمولی برای تنازعات سیاسی می‌شود. آتش پلاسکو علاوه بر سوختن جان‌عده‌ای از شهروندان ایرانی و جریحه‌دار شدن روان تمامی ایرانیان، این دغدغه را بار دیگر زنده ساخته که شورای شهر و شهرداری بایستی نماینده و حافظ منافع و هویت شهری باشند. شاخصه‌ای که لازم است در چینش لیست‌های انتخاباتی هم مدنظر قرار گیرد. در چنین وضعیتی کارنامه کارآمدی شورای شهر و شهرداری تخصصی و غیرسیاسی که مورد حمایت احزاب و جناح‌های سیاسی هستند، می‌تواند مبنای مقبولیت آنها نیز قرار گیرد.

ب) شایعه‌ها از امور شایع در ایران است. شایعه اگرچه در جوامع سنتی و در فقدان رسانه امری طبیعی است، اما در دنیای مدرن برآمده از نبود شفافیت است. نبود شفافیت می‌تواند به شکاف دولت و ملت و ایجاد فضای بی‌اعتمادی بینجامد. آفت بی‌اعتمادی، آفتی بنیان‌سوز است که اثراتی مخرب بر حوزه‌های گوناگون به جا می‌گذارد. اگر روزگاری شایعات به دلیل فقدان رسانه‌های مدرن برد کمتری داشتند، امروزه با وجود رسانه‌های مدرنی چون تلگرام به سرعت پخش می‌شوند.



شایعات با توجه به خصیصه اخلاقی بی‌اعتمادی و دیراعتمادی ایرانیان، می‌توانند نسل‌های متمادی را تحت تأثیر خود قرار دهند و به قول جواد شیخ‌الاسلامی، استاد فقیه علوم سیاسی دانشگاه تهران، ایرانیان دروغ‌پیچیده را راحت‌تر از راست ساده‌باور می‌کنند. بر مبنای همین خصیصه اخلاقی، حتی برخی از وقایع تاریخی با وجود مستندات بسیار مورد انکار قرار می‌گیرند. شیخ‌الاسلامی در این باره مخالف‌نبودن احمدشاه قاجار با قرارداد ۱۹۱۹ را مثال می‌زند که در افواه شایع شده سقوط قاجاریه به دلیل مخالفت احمدشاه با این قرارداد بوده است. در دوره پهلوی نیز از این دست شایعات بسیار است. شایعاتی که بیش از آن که مردم عادی در ساختن و پرداختن آنها نقشی داشته باشند، برخی از گروه‌ها و احزاب سیاسی، آن‌ها را می‌ساختند.

حزب توده از مهم‌ترین پردازندگان شایعات در ایران بود. به طوری که در هنگام نخست‌وزیری محسن صدر، او را به عنوان «جلاد باغشاه» متهم ساختند که در قتل روزنامه‌نگاران و سیاسیون دوه مشروطه به دست محمدعلی شاه، وظیفه قضاوت و حکم صادر کردن را بر عهده داشته است. قتل برخی از فعالان سیاسی مانند محمد مسعود را هم به دربار منتسب ساختند که بعدها معلوم شد کار شاخه نظامی حزب بوده است. در واقع آنان از همان دهه بیست، میراث شومی را به یادگار گذاشتند که مرگ هر نامداری با هاله‌ای از ابهام و تردید، به عنوان قتل سیاسی جلوه داده شود. هرچند سلطنت پهلوی، کارنامه قابل دفاعی در حوزه آزادی‌های سیاسی ندارد، اما بسیاری از درگذشت‌ها مانند درگذشت غلامرضا تختی، علی شریعتی، احمد کافی، سیدمصطفی خمینی و ... بدون مدارک و مستندات، به عنوان قتل سیاسی با دست‌اندرکاری ساواک قلمداد شده‌اند، به طوری که صاحب هتل آتلانتیک (هتل اطلس فعلی) به دلیل درگذشت تختی در این هتل، پس از پیروزی انقلاب متهم به همکاری با ساواک شد و تنها مساعدت



آیت‌الله طالقانی موجب رهایی وی گردید.

فروسختن ساختمان پلاسکو در هاله‌ای از ابهام و عدم شفافیت مسؤلان امر که تکذیب‌های مکرر درباره سخنان پیشین خود دارند، بار دیگر خصیصه شایعه‌سازی را پررنگ ساخته است. بیش از آن‌که جامعه را در این شایعه‌پردازی‌ها مقصر بدانیم، بایستی سهمی مهم برای فقدان شفافیت مسؤلان قائل شد. این نبود شفافیت هم به نوعی برای فرار از پاسخگویی و رهاکردن گریبان خویش از تقصیرات احتمالی است. آنچه اما در این میان قربانی می‌شود، اعتمادسوزی عمومی است که ممکن است از اعتماد عمومی مانند ساختمان پلاسکو تنها تلی از خاکستر و آوار باقی بماند.





فصلنامه علمی، پژوهشی و آموزشی
دانشگاه شیراز